



## آسیاب به نوبت!

زیاد می‌شد که آسیابان باید میان کشاورزان نوبت تعیین می‌کرد. اصطلاح آسیاب به نوبت نیز از همین جاورد زبان مردم شده و هنوز در فرهنگ عامه کاربرد دارد. کار و کاسبی آسیابان‌ها اما با ساخت کارخانه‌های آرد و صنعتی شدن فرایند آرد کردن گندم کساد شد و به تدریج با از رونق افتادن آسیاب‌ها، آسیابان‌ها نیز به فکر شغل دیگری برای خودشان افتادند. علیرضا زمانی، تهران پژوه می‌گوید: «اولین سیلوی نگهداری گندم در حدود سال ۱۳۱۸ و در دوران پهلوی اول ساخته و کمی بعد نیز کارخانه‌ها و نیز در مجاور آن تاسیس شد. با توسعه این کارخانه‌ها و نیز از میان رفتن زمین‌های کشاورزی در اثر توسعه شهر، دیگر نیازی به ادامه فعالیت آسیاب‌ها وجود نداشت. به‌عنوان مثال، در شمیران از میانه‌های دهه ۳۰ بسیاری از آبادی‌ها به محله‌های مدرن شمال شهر تبدیل شدند و با از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، شغل‌های وابسته به آن مثل آسیابانی هم به فراموشی سپرده شد.»

۷ آسیاب وجود داشت و در طرشت ۳ آسیاب. در شمیران آسیاب‌های معروفی چون آسیاب گیلانی در بند یا آسیاب چیدر و نیز آسیاب‌های معروفی چون آسیاب یوسف‌آباد، آسیاب والی و آسیاب جلالی گندم‌ها و در دیگر آبادی‌ها محصولات کشاورزی را آرد می‌کردند. در دوران اوج فعالیت آسیاب‌ها، آسیابان‌ها که مسئولیت آرد کردن گندم را بر عهده داشتند، میان کشاورزان بسیار محبوب و البته کار راه‌انداز بودند. مسئولیت آسیابان‌ها تنها انجام فرایند آرد کردن گندم نبود. رضاعلی ادامه می‌دهد: «در روزگاری که بسیاری از روستائینان شمیرانی و آبادی‌های اطراف تهران با کشاورزی و کشت گندم روزگار می‌گذراندند، محصولات بسیاری برای آرد شدن به آسیاب فرستاده می‌شد. از طرفی، اگر چه تهران آسیاب‌های بسیار داشت اما همه آبادی‌ها از آسیاب بی‌بهره بودند. بنابراین، گندم‌های خود را به روستاهایی می‌بردند که آسیاب داشتند. در نتیجه گاهی شمار کیسه‌های گندم آنقدر

■ شغل: آسیابانی  
 ■ ویژگی: روزگاری که تهران مزارع گندم بسیار داشت کاسبی آسیابان‌ها سکه بود

اکنون دیگر نه از گردش پره‌های آسیاب‌ها خبری هست و نه از آسیابان‌های باتجربه تهرانی که برای قرن‌ها حاصل دسترنج کشاورزان این گستره را آرد می‌کردند. تهران روزگاری ده‌ها آسیاب داشت؛ همان روزها که تهران نه کلانشهری در محاصره برج‌ها و بزرگراه‌ها بلکه آبادی کوچکی بود با زمین‌های زراعی فراوان. فتاح رضاعلی، پژوهشگر حوزه کسب و کار می‌گوید: «بیشتر آسیاب‌های تهران آسیاب آبی بود؛ یعنی گردانه آسیاب با آب رودخانه‌ها به گردش درمی‌آمد. تهران در جنوب و شمال مزارع گندم بسیار داشت و وجود مزارع گندم نیز وجود آسیاب‌های فراوان را توجیه می‌کرد. شمار آسیاب‌های تهران آنقدر زیاد بود که تنها در گستره دولا

## یکه تازی مال سوارها

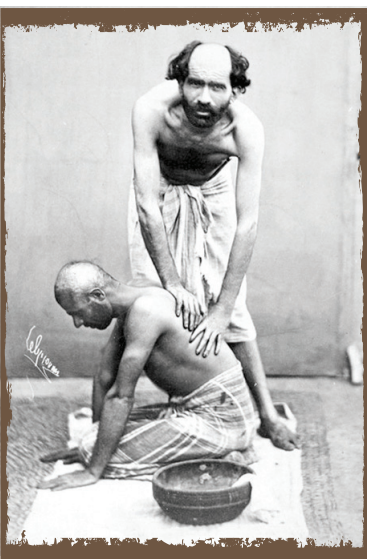


■ شغل: چارواداری  
 ■ ویژگی: بلدرا برای هدایت مسافران

روزگاری مردم برای رفت‌وآمد و سفر از چهارپایان استفاده و افرادی که این سفر را هدایت می‌کردند به چاروادار معروف بودند. میدان مال فروش‌ها در جنوب شرقی تهران مکان و پاتوق چاروادارها بود که نزدیک دروازه عتیق حضرت عبدالعظیم (چهارراه مولوی فعلی) قرار داشت. این میدان تا نخستین سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه فضایی نسبتاً وسیع و مستطیل شکل بود که در دوره‌های بعد با توسعه شهر از وسعتش کاسته شد تا اینکه سرانجام با خاتمه کار چهارپایان بارکش و خروج این حیوانات از زندگی روزمره مردم به فضای تجاری محله بازار اضافه شد. اردشیر آل‌عوض، درباره این شغل می‌گوید: «آن دوران راه‌های شوسه، راه آهن و خطوط هوایی نبود و شکل عمده سفر، مسافرت با چهارپایان بود. چاروادارها و چهارپایانشان از نظر مسافربری، نقشی مثل اتوبوس‌های مسافربری، قطار و هواپیماهای امروزی و از جنبه باربری نیز نقشی مثل کامیون‌ها و وانت‌های امروزی داشتند. در واقع، همه تسهیلاتی که این وسایل امروزی برای مسافران فراهم می‌کنند، در جامعه عصر قاجار، بر عهده چاروادارها و چهارپایانشان بود. آنها به نام‌های دیگری مانند مکاری، خربنده، خرچی، قاطرچی و قافله‌دار هم شهرت داشتند. فصل بهار و تابستان پرکارترین فصل چاروادارها بود و مهم‌ترین هزینه‌های چارواداری عبارت بودند از: مزه یتیم‌چاروادار، غذای میان راه چاروادار، علوفه حیوان بارکش، دستمزد مهتر یا تیماردار، تعویض افسار، تعویض رانکی، تعویض پالان، نعل‌بندی و...»

شغل چارواداری مستقیماً با چهارپایان سروکار داشت و از این رو وابسته به آنها بود. حیوانات بارکش چاروادارها، در دوره قاجار شامل اسب، شتر و به‌ویژه قاطر بود. قاطر‌ها هم ابزار کار و هم یار همیشگی چاروادارها بودند. آنها پس از پیاده‌روی‌های طاقت‌فرسا، وقتی به توقفگاهی می‌رسیدند نیز بیکار نمی‌نشستند و تازه به کارهایی مثل تعمیر زین‌ها و اصلاح بسته‌ها می‌پرداختند. به گفته پولاد اتریشی، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، کرایه حیوانات بارکش بسیار ارزان بود و براساس ارزان و گران شدن علوفه، کمی و زیادی عبور و مرور و موجود بودن بار در مبدأ و مقصد متفاوت بود. صاحبان بارها و مسافران افزون بر کرایه، خرج حیوانات، ناهار، چای و توتون چپق مکاری را نیز می‌دادند. چارواداران باید هنگام ورود به هر شهر و خروج از آن و حتی گذشتن از برخی مناطق، هزینه‌های گمرکی و راهداری را می‌پرداختند.

## ماجراهای یک حرفه ۵۰۰ ساله با ۳۳ چشمه



■ شغل: دلاکی  
 ■ ویژگی: ارائه خدمات بهداشتی به عموم مردم



شغل دلاکی در انحصار مردان نبوده و زنان دلاک هم در حمام‌های زنانه گوش دختران را سوراخ می‌کردند. حدادی معتقد است که دلاک‌ها بنا به دلایلی در فرهنگ عامه مردم، افراد محترمی بودند: «آنطور که سیاحان اروپایی روایت کرده‌اند، دلاک‌های تهرانی مسئولیت‌های مهمی از جمله دلالت از دواج هم داشته‌اند که از نگاه عموم مهم جلوه می‌کرد. آنها بین خودشان زبانی رمزگذاری شده داشتند و دو فرد دلاک، گاهی که می‌خواستند کسی متوجه گفت‌وگوهایشان نشود، به زبان مخصوص خودشان صحبت می‌کردند. این اطلاعاتی است که سیاحان مختلف به ما می‌دهند و در کتاب فرهنگ‌واره گرمابه به آن اشاره شده است. جیمز موریه، دیپلمات و نویسنده بریتانیایی، در بخش دیگری از همین کتاب به نقل از حاجی بابا، یکی از مشهورترین دلاک‌های ایرانی، روایت کرده که در ۳۳ چشمه دلاکی استاد بود که منظور همان ۳۳ عملی است که دلاک‌ها در شهرهای مختلف انجام می‌دادند و آرام‌آرام به تهران هم رسیده بود.»

همه‌فن حریف بودند که علاوه بر مشت و مال، گاهی کار شکسته‌بندی، کوتاه کردن مو، کشیدن دندان و حجامت را هم انجام می‌دادند و لایه‌لای کارشان مردم را از اخبار و وقایع روز هم آگاه می‌کردند. به عبارتی، دلاک‌ها افرادی بودند که باروش‌های کاملاً سنتی در این صنف فعالیت می‌کردند. حدادی می‌گوید: «کتاب «فرهنگ‌واره گرمابه»، نوشته علیرضا لطفی و حسین مسجدی مرجع مناسبی برای پی‌بردن به سابقه و فوت و فن کار دلاک‌ها در تهران قدیم است. این کتاب از دریچه نگاه سیاحان مشهور اروپایی این شغل را بررسی کرده که خواندن آن خالی از لطف نیست. هانری زنه دالماتی، سیاح معروف فرانسوی که در دوره حکومت قاجار به تهران آمده بود در بخشی از سفرنامه‌اش به این نکته اشاره کرده که اصلی‌ترین کار دلاک‌ها، کیسه‌کشی و مشت و مال بوده اما کارهایی مثل حجامت، زالوانداختن، رگ‌زنی، سر تراشی و ریش تراشی، ختنه نوزادان پسر، مداوای شکستگی‌ها و در رفتگی‌های استخوان، دندان کشیدن و جالانختن ناف را هم که برخی اطباء از انجام آن امتناع می‌کردند، بر عهده می‌گرفتند.»

■ شغل: دلاکی  
 ■ ویژگی: ارائه خدمات بهداشتی به عموم مردم

اگر پای صحبت دلاک‌های قدیمی بنشینید، حتماً از تعطیلی تدریجی حمام‌های پایتخت گله می‌کنند. تعطیلی حمام‌های تهران شروع کساد کسب و کار دلاک‌ها بود و امروز تقریباً حمامی وجود ندارد که دلاکی در آن مشغول کار باشد.

دلاکی را می‌توان در فهرست شغل‌هایی قرار داد که پیشینه چندصد ساله دارد. برخی پژوهشگران بر این باورند که دلاک‌ها از دوره صفویه که حمام‌های عمومی یکی پس از دیگری در جغرافیای آن زمان تهران ساخته شد کارشان را شروع کردند و آرام‌آرام دایره فعالیت‌شان گسترده‌تر شد و به خارج از حمام‌های عمومی رسید.

نصرالله حدادی، پژوهشگر و تهران شناس، درباره پیشینه تاریخی دلاکی در تهران می‌گوید: «پیدایش حمام در ایران سابقه چنددهه‌ها ساله دارد. ایرانیان باستان به این نتیجه رسیده بودند که پوست بدن انسان بعد از چند روز غشای مرده پیدا می‌کند و باید از بدن زدوده شود. ساخت حمام در تهران سابقه کمتری دارد و به عصر صفوی برمی‌گردد؛ کما اینکه حمام خانم یا حمام قبله در همان دوره تاریخی در تهران ساخته شده و شغل دلاکی پدید آمده است. بنابراین، می‌توانیم بگوییم دلاکی در تهران چیزی حدود ۵۰۰ سال قدمت دارد.»

دلاک‌ها از دوره صفویه تا چند دهه قبل که کسب و کارشان رونق نسبی داشت، افرادی